

اصلاح یعنی چه؟ این که سیدالشهداء (علیه السلام) فرمود: «إِنَّمَا خَرَجْتُ لِطَلَبِ الْإِصْلَاحِ فِي أُمَّةٍ جَدِّي» باید دید منظور حضرت (علیه السلام) چه بود؟ قسمت‌های

دیگری
از

بیانات

ایشان، این مسأله را

روشن می‌کند. در بین راه کربلا، در

یکی از سخنرانی‌هایش فرمود: «إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قَدْ قَالَ فِي خِيَاتِهِ مَنْ رَأَى سُلْطَانًا جَائِرًا مُسْتَحْجِلًا لِحُرْمِ اللَّهِ نَاكِثًا لِعَهْدِ اللَّهِ مُخَالِفًا لِسُنَّةِ رَسُولِ اللَّهِ يَعْمَلُ فِي عِبَادِ اللَّهِ بِالْأَثَمِ وَالْعُدْوَانِ ثُمَّ لَمْ يُغَيِّرْ بِفِعْلٍ وَلَا قَوْلٍ كَانَ حَقِيقًا عَلَى اللَّهِ أَنْ يَدْخُلَهُ مَذْخَلُهُ وَقَدْ عَلِمْتُمْ أَنَّ هَؤُلَاءِ الْقَوْمَ قَدْ لَزِمُوا طَاعَةَ الشَّيْطَانِ وَتَوَلَّوْا عَنْ طَاعَةِ اللَّهِ وَظَهَرُوا الْفَسَادَ وَعَطَلُوا الْحُدُودَ وَاسْتَأْثَرُوا بِالْغِيِّ وَأَحْلَوْا خِرَامَ اللَّهِ وَحَزَمُوا خِلَالَهٖ وَإِنِّي أَحَقُّ بِهَذَا الْأَمْرِ» (۱)

اگر کسی ببیند زورمداری و سلطانی که با زور بر دیگران مسلط باشد و قدرتی در اختیار دارد، در سایه قدرت خود پیمان خدا را که عهد عبودیت است، شکسته «أَلَمْ أَعْهِذْ إِلَيْكُمْ يَا بَنِي آدَمَ أَنْ لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ وَأَنْ أَعْبُدُونِي هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ» (۲) این پیمان خدا است، اگر کسی دید که این شخص در پناه قدرت خود سر از بندگی خدا پیچیده «مخالفاً لسنة رسول الله»، با دستورات پیامبر (صلی الله علیه و آله) مخالفت کرده و به آنچه پیامبر (صلی الله علیه و آله) فرموده عمل نمی‌کند، «يعمل في عباد الله بالاثم والعدوان»، رفتارش با مردم همراه با گناه و تعدی است، اگر کسی چنین قدرتمندی را دید و با گفتار و رفتار خود روش او را تغییر نداد، یعنی با سخن یا با عمل کاری نکرد که این شخص به مسیر صحیح برگردد، اگر مسلمانی چنین چیزی را دید و کاری انجام نداد که او را از این رفتار غلط باز دارد، «كان حقيقاً على الله ان يدخله مدخله» حق خدا است که او را نیز با همان ستمکار وارد جهنم کند تا با ستمکاران همنشین

شود؛ آن حاکم کار خلافی انجام داد، این شخص هم سکوت کرد. سکوت کردن در مقابل کار خلاف مهر امضا بر عمل کسی است که مرتکب خلاف گردیده است و باعث می‌شود که شخص، همنشین خلافکار بشود.

بعد می‌فرماید: «وقد علمتم ان هؤلاء القوم قد لزموا طاعة الشيطان» کسانی که من با آن‌ها مواجه هستم، یعنی بنی امیه، ملایم اطاعت شیطان شدند «و تولوا عن

طاعة

الله» عهد خدا این بود

که «أن لاتعبدوا الشيطان انه لكم

عدو مبين» این عهد را برعکس کردند، اطاعت شیطان می‌کنند، اما خدا را اطاعت نمی‌کنند. «و اظهروا الفساد» مورد شاهد من این عبارت است، این‌ها فساد را ظاهر کردند، فساد را در جامعه پدید آوردند، چه کار کردند؟ در عطف تفسیر عبارت قبل می‌فرماید: «و عطّلوا الحدود» حدود الهی را تعطیل کردند، در موردی که باید دست دزد را ببرند، نمی‌برند، جایی که باید زانی و زانیه را تازیانه بزنند، نمی‌زنند و آن‌جا که باید سایر احکام الهی را اجرا کنند، نمی‌کنند. این‌ها فساد است، در فرهنگ حسین (علیه السلام) این‌ها فساد است. «و استأثروا بالغی» بیت المال را به خود و دار و دسته خود اختصاص دادند، بیت المالی که باید صرف همه مسلمانان بشود، امکاناتی که باید به طور یکسان در اختیار همه قرار بگیرد، در اختیار دار و دسته خود قرار می‌دهند، «و أحلوا حرام الله» آن چه را خدا حرام کرده می‌گویند نه، مقدار کم آن عیب ندارد! یا الآن اشکال ندارد! اسلام سیال است! فقه پویا می‌خواهیم! دیروز حرام بود، امروز حلال است! کاری کرده‌اند که حتی بچه‌های متدین می‌پرسند چه وقت رقصیدن حلال می‌شود؟ هنوز حلال نشده است؟ چه زمانی دوست پسر گرفتن و دوست دختر گرفتن جایز می‌شود، هنوز آقایان اجازه نداده‌اند؟ می‌گویم این مسایل حلال شدنی

نیست، چیزی که خدا حرام کرده حرام است. می‌گویند نه، خیلی چیزها هست که حرام بوده است حالا حلال شده است! چه وقت این‌ها حلال می‌شود؟ آنان صادقانه سؤال می‌کنند گروهی فقه پویا را به این شکل تعریف می‌کنند، یعنی احکام هم روزی تغییر می‌کند، چه کسی تغییر بدهد؟ قدرت حاکم! امام (علیه السلام) می‌فرماید حال که این‌گونه شده است.

مگر رسول الله (صلی الله علیه و آله) نمی‌فرماید کسی که این رفتارها را بنگرد و تغییری نشان ندهد با آن سلطان جایز در جهنم همنشین خواهد بود؟ در چنین زمانی چه کسی از من سزاوارتر است که علیه این‌ها قیام کند، تا این

مفاسد

را اصلاح کند؟ «و انی

أحق بهذا الامر» من سزاوارترین

کسی هستم که باید این‌ها را تغییر بدهد. پس، حرکت من برای اصلاح این موارد است. آن‌جا که گفتیم: «خرجت لطلب الاصلاح في أمة جدی» (۳) یعنی این مطالب. مصداق «اصلاح» این موارد است: باید حدود الهی برگردد، باید بیت‌المال مسلمین به طور یکسان در اختیار همه قرار بگیرد، باید مردم به طور یکسان از تسهیلات اقتصادی، اداری، قانونی استفاده کنند، نه این‌که فقط خویش و قوم‌ها، دار و دسته، هم‌حزبی‌ها و هم‌جبهه‌ای‌ها از امکانات و تسهیلات استفاده ببرند. این‌ها فساد است و باید در مقابل این فسادها قیام کرد. حسین (علیه السلام) قیام کرد تا این فسادها را براندازد. اگر کسانی اصلاح‌طلبی را این می‌دانند، همان‌طور که مقام معظم رهبری فرمودند، همه طالب چنین اصلاحی هستند، چه کسی با این اصلاح مخالف است؟ مگر کسی که مسلمان نباشد. البته هستند کسانی که با چنین اصلاحی مخالف‌اند، ولی آن‌ها همان کسانی هستند که به خدا و احکام خدا ایمان ندارند، دروغ می‌گویند که مسلمان‌اند، برای

اصلاح مطلوب

استاد علامه محمدتقی مصباح یزدی

ایستیم!

بلوغ عا

دکتر محمدرضا سنکری

در غروب عطش آلود، وقتی برق شقاوت خنجر آبیگون بر خنجره آخرین شهید نشست. وقتی صدای شکستن استخوان در گوش سم‌ها پیچید و آنگاه که خیمه‌ها در رقص شعله‌ها گم شدند، جلاان همه چیز را تمام شده انگاشتند. هشتاد و چهار کودک و زن، در ازدحام نیزه و شمشیر، از ساحل گودالی که همه هستی‌شان را در آغوش گرفته بود گذشتند. تازیانه در پی تازیانه، تحقیر و توهین و قهقهه‌ای که با آه کودکان گره می‌خورد، گستره میدان شعله‌ور را می‌پوشاند.

دشمن به جشن و سرور ایستاده است و نوازندگان، دست افشان و پایکوبان، در کوچه‌های آراسته، به انتظار کاروانی هستند که با هفتاد و دو داغ، با هفتاد و دو پرچم، با شکسته‌ترین دل و تاول‌زده‌ترین پا، به ضیافت تمسخر و طعنه و خاکستر و خنده آمده است.

زنان با تمامی زیورآلاتشان به تماشا آمده‌اند. همه را اندیشه این است که با فرو نشستن سرها بر نیزه، همه سرها فرو شکسته است.

اما خروش رعدگونه زینب علیا، آذرخش خشم سجاده‌ای و زمزمه حسین علیا بر نیزه، همه چیز را شکست. شهر یکپارچه ضجه و اشک و ناله شد و باران کلام زینب جان‌ها را شست و آفتاب را از پس غبارها و پرده‌ها به میهمانی چشم‌های بسته آورد. چهل روز گذشت. حقیقت، عریان‌تر و زلال‌تر از همیشه از افق خون سربرآورد. کربلا به بلوغ خویش رسید و جوشش خون شهید، خاشاک ستم را به بازی گرفت. خونی که آن روز در

اساسی می‌شود؟ انصاف کجاست؟ شرف کجاست؟

امام حسین علیا می‌فرماید: «أَنَا أَوْلَى بِنُصْرَةِ دِينِ اللَّهِ وَ إِعْزَازِ شَرْعِهِ» من به این که دین خدا را یاری کنم و شریعت خدا را عزیز گردانم اولی هستم. این‌ها شریعت خدا را منزوی و ذلیل کردند، از جامعه کنار زدند، من پسر پیامبر صلی الله علیه و آله اولی هستم به این که در مقام عزیز کردن شریعت خدا برآیم. «وَالْجِهَادُ فِي سَبِيلِهِ لِيَتَكُونَ كَلِمَةً لِلَّهِ هِيَ الْعُلْيَا» من باید در راه خدا جهاد کنم، ابی عبدالله حرکت خود را جهاد در راه خدا می‌داند، با این هدف که «لِتَكُونَ كَلِمَةُ اللَّهِ هِيَ الْعُلْيَا» تا سخن خدا برترین باشد، کسی بالاتر از سخن خدا حرفی نگوید، آن‌جا که گفتند «خدا گفته است»، همه خضوع کنند. نه این که بگویند خدا گفته، ولی این حرف برای ۱۴۰۰ سال پیش خوب است! امروز خود ما بهتر از خدا می‌فهمیم!

هدفی که امام حسین علیا در وصیت‌نامه خود برای برادرش فرمود این بود، «انما خرجت لطلب الاصلاح في امة جدي» شاید کلمه «طلب» اشاره به این مطلب باشد که، من نمی‌گویم می‌توانم چنین کاری را انجام دهم، همه مشکلات را حل و فسادها را برطرف کنم، اما در این راه تکاپو می‌کنم و قدم برمی‌دارم؛ نهایت سعی خود را می‌کنم، اگر مردم هم کمک کرده و به وظیفه‌شان عمل کردند، این کار انجام خواهد شد، مفاسد اصلاح خواهد شد. اما اگر مردم کمک نکردند، من به وظیفه خود عمل کرده‌ام. پس هدف «طلب الاصلاح» بود، و این هدف به بهترین وجه تحقق پیدا کرد.

پی‌نوشت

۱. بحارالانوار، ج ۴۴، باب ۳۷، روایت ۲
۲. بس، ۶۱-۶۰
۳. بحارالانوار، ج ۴۴، ص ۳۲۹، باب ۳۷، روایت ۲
۴. ر. ک. به: میزان، زمستان ۱۳۵۹ و بهار ۱۳۶۰
۵. ر. ک. به: کیهان، ۲۳، ۲۴ و ۲۵ فروردین ۱۳۷۹، گزارش‌های مربوط به کنفرانس برلین

فریفتن من و شما ادعای اسلام می‌کنند. اصلاح خوب است اما اصلاح بر اساس سیستم اسلامی، بر اساس نظام ارزشی اسلامی، نه آنچه را که آمریکا یا سایر کفار اصلاح می‌دانند. برای ما آمریکا یا هر کس دیگر چه تفاوتی می‌کند. چون او بیش‌تر اصرار می‌کند ما او را سمبل قرار داده‌ایم، و الا برای ما آمریکا با کسان دیگر فرقی نمی‌کند، هر کافری همین‌گونه است. هر که با ارزش‌های اسلامی مخالف است ما دشمن او هستیم؛ ما خواستار تحقق ارزش‌های اسلامی هستیم، می‌خواهیم احکام خدا اجرا شود. دنیا می‌گوید این کارها خلاف اعلامیه حقوق بشر است، می‌گوییم آن اعلامیه برای خودتان. ما تا جایی با این اعلامیه موافقیم که در فرهنگ اسلامی جایگاه خودش را داشته باشد. «خوب» در نظر ما آن است که اسلام می‌گوید، «بد» هم آن است که اسلام بگوید بد است؛ نه آنچه شما یا پارلمان اروپا یا کنگره آمریکا بگوید، گفته‌های آن‌ها برای ما حجیت ندارد، مراجع تقلید ما باید بفرمایند، قرآن باید بفرماید، سنت رسول الله صلی الله علیه و آله باید بفرماید.

امام حسین علیا در بیان دیگری، مشابه همین می‌فرماید: «إِنَّ هَؤُلَاءِ الْقَوْمَ لِرُمُوءًا طَاعَةَ الشَّيْطَانِ وَ تَرْكُوا طَاعَةَ الرَّحْمَنِ وَ أَظْهَرُوا الْقِسَادَ فِي الْأَرْضِ وَ أَبْطَلُوا الْخُدُودَ وَ شَرَبُوا الْخُمُورَ» این‌ها حدود الهی را باطل کردند، تعطیل حدود، یک مطلب است؛ باطل کردن، از آن بالاتر است. گاهی می‌گویند امروزه شرایط به گونه‌ای نیست که ما حد الهی را اجرا کنیم. ولی زمانی هم می‌گویند این حکم بی‌مورد است، این قانون خلاف ارزش‌های انسانی و انسانیت است، آن‌گونه که جبهه ملی درباره لایحه قصاص گفتند، (۴) و امروز اتباع آن‌ها به صورت صریح‌تر می‌گویند و می‌روند در کنفرانس برلین و در آن‌جا رسماً احکام اسلامی را محکوم کرده و می‌گویند باید تغییر کند! (۵) و متأسفانه بعضی از روحانی‌نماها نیز چنین افتضاحتی به بار می‌آورند! آن کسانی که خودشان را مدافع قانون اساسی می‌دانند اقل این بی‌دین‌ها را به محاکمه بکشانند؛ شما ضروریات اسلام را انکار کرده‌اید! شما آبروی اسلام را در کشورهای خارجی برده‌اید! دفاع از قانون اساسی این‌ها را اقتضا نمی‌کند؟ آیا فقط اقتضا می‌کند که جلوی روزنامه‌ها را باز بگذاریم تا هر غلطی می‌خواهند بکنند؟ هر جسارتی می‌خواهند به مقدسات بکنند؟ فقط در این صورت دفاع از قانون

